

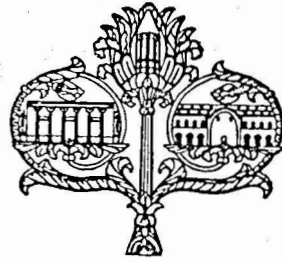


سرگذشت سید حسن تقی زاده

بقلم خود او

انجمن آثار ملی

اسفند ۱۳۴۸



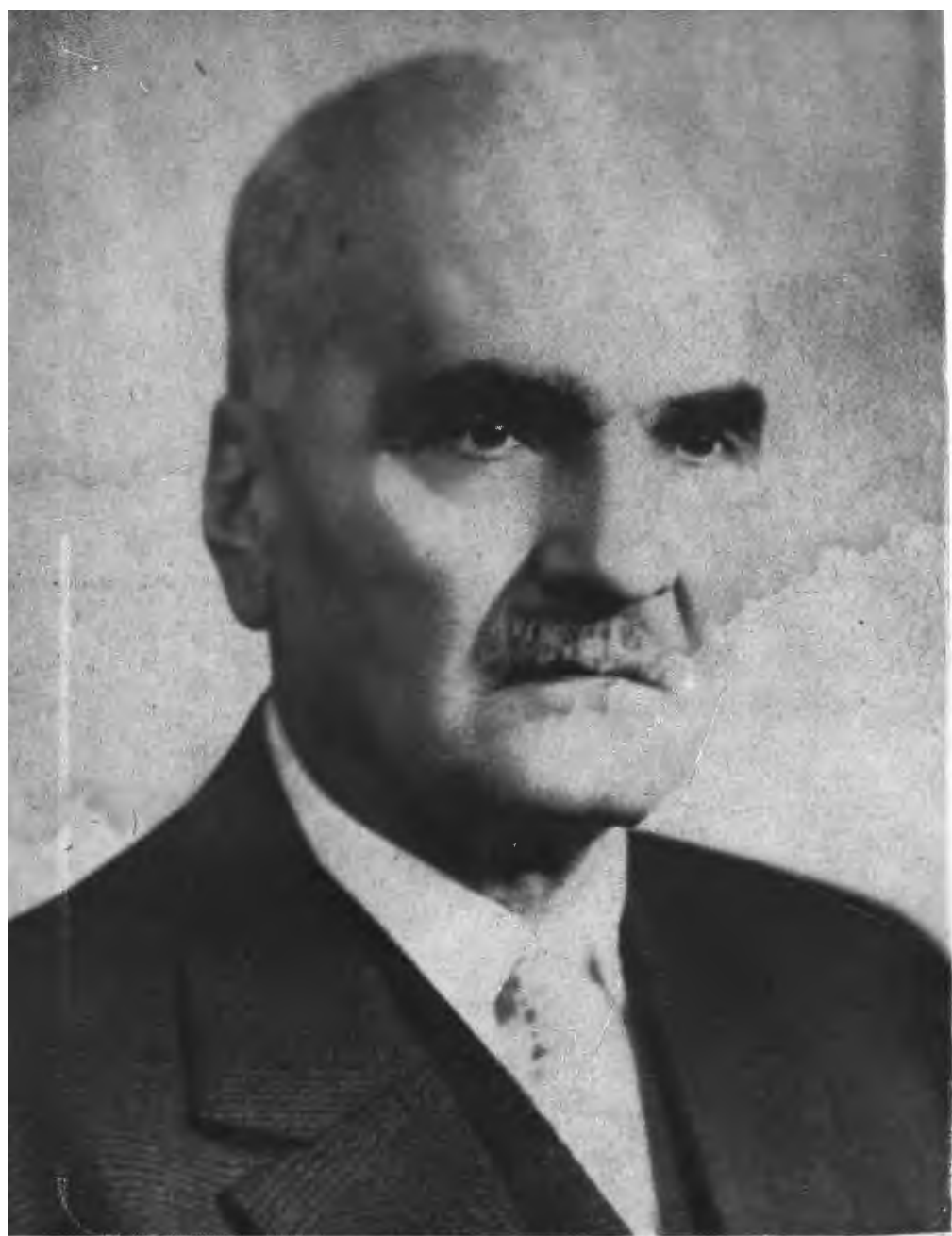
سیر گذشت
سید حسن تقی زاده

اسکن شد

بقلم خود او

انجمن آثار ملی

اسفند ۱۳۴۸



یادداشت

شرح احوالی که از مرحوم تقی زاده درین صحایف نشر می شود در سال ۱۳۴۰ آن مرحوم به خواهش اینجانب نوشت و در همان موقع در مجله راهنمای کتاب نشر شد. چون تقاضای من از آن مرحوم نوشتن سرگذشتی از فعالیت های علمی و ادبی بود درین ترجمه هیچ نوع اطلاعی از کارهای سیاسی و زندگی اجتماعی او مذکور نیست.

فهرستی که از آثار مرحوم تقی زاده تهیه کردم و آن مرحوم آن را در انتهای سرگذشت خود مندرج ساخت همان طور که خود نوشته است صورت کاملی نیست. مقالات متعدد دیگر از او بعدها دیدم که همه را به صورت فهرست جدیدی در آینده نشر خواهم کرد.

در باره تقی زاده جامع ترین سرگذشت بقلم دوست باوفای آن مرحوم جناب آقای سید محمد علی جمال زاده در کتاب «ران ملخ» به زبان فرانسه چاپ شده است.

چون سرگذشت حاضر در سال ۱۳۴۰ نوشته شده است باید گفت که آخرین خدمت فرهنگی مرحوم تقی زاده قبول ریاست کنگره اول جهانی ایران شناسان بود که در سال ۱۳۴۵ در تهران منعقد شد. از خدمات برجسته دیگر او تأسیس و تقویت کتابخانه مجلس سنا است که امروزه از بهترین کتابخانه های است که کتب مربوط به ایران در آن جمع آوری می شود.

ایرج افشار

سرگذشت

سید حسن تقی زاده

در جواب تقاضائی که راجع بشرح مختصری در باب زندگی ادبی (بمعنی اعم) اینجانب یعنی جزئیات فعالیت علمی دوره حیات من فرموده بودید اینک مجملی از تاریخ زندگی خود در آن قسمت که مربوط به تحصیلات و مطالعات خودم است ذیلاً یادداشت و تقدیم می کنم .

قبلاً میخواهم بدون هیچگونه فروتنی های مرسوم که گاهی بعضی از راه تواضع و ادب میکنند من از روی حقیقت محض و بی مبالغه بگویم که حقیر هیچ نوع فعالیت علمی و ادبی شایان ذکر نداشته و ندارم و اگر شاید در شصت و هفتاد سال قبل بواسطه جزئی سواد و اطلاعاتی که کسب کرده بودم مانند آدم يك چشم در حوزه کوران با اندك مایه نیمه دانا شمرده توانستم شد در این عصر که حمد خدا را فضلا و ادباء و دانشمندان عالی مقام بالنسبه بسیار داریم و معلومات فوق العاده ناقص من با قیاس بآنها يك از صد و در مقابل برخی يك از هزار نیست آوردن اسم محقر من در جرگه اشخاص نامدار نه تنها روا نیست بلکه جز مایه شرمساری و سرافکندگی برای من نخواهد بود .

اینجانب تحصیلاتی بمعنی امروزه نداشته ام . فقط بعنوان داستان سرائی تاریخ زندگی خود که میدانم اطلاع از آن برای احدی ابداً فایده ای ندارد چند کلمه مینویسم .

در روز آخر ماه رمضان سنه ۱۲۹۵ هجری قمری (مطابق با ۵ مهر ماه بحساب امروز ۲۷ سپتامبر ماه فرنگی سنه ۱۸۷۸ مسیحی) در حوالی ساعت ۵

صبح در تبریز بدنیا چشم گشوده‌ام ، در خانه‌ای محقر از پدر روحانی و اهل علم دینی و شرعی که پدر و جدش در نزدیکی رود ارس در ماوراء سرحد ایران در قریه‌ای با اسم و نند (نظیر اسم اوستائی ستارهٔ نسر واقع) از توابع قصبهٔ اردوباد (که جزو نقاطی بود که شاید مقارن ولادت یا اندکی قبل از ولادت پدرم از تصرف ایران خارج شده و جزو مستملکات قفقازی روسیه شده بود) بدنیا آمده بود . پدرم در جوانی به تبریز آمده و در آنجا جزو طلاب علوم دینی در مدرسه حاج صفر علی مشغول تحصیل شده و چندین سال در محضر علمای تبریز تلمذ نموده بعد بهمت برادر بزرگترش به نجف رفته و در نزد شیخ مرتضی انصاری هفده سال تحصیل کرده بود و در حدود سنهٔ ۱۲۸۹ یا سال قبل به تبریز آمده و در آنجا ۲۴ سال یا بیشتر حوزهٔ تدریس و امامت جماعت و مقام مقتدائی روحانی داشت و با فراط زاهد و پارسا بود . بهمین مناسبت مرا و برادرانم را (یعنی دو برادر بزرگتر و یکی کوچکتر از من) نیز به تحصیل علوم شرعیه واداشت . مادرم از قصبهٔ شبستر (مرکز ولایت ارواق و انزاب) بود و خانوادهٔ او هم از طبقهٔ مؤمنین بودند .

من در چهار سالگی به خواندن عم‌جزو شروع کرده و نماز و آداب شرعی را یاد گرفتم و در پنج سالگی قرآن را ختم کردم و برسم آن زمان در تبریز در مکتب به خواندن فارسی (گلستان سعدی و جامع عباسی شیخ بهائی و نصاب الصبیان و ترسل و تاریخ نادر و تاریخ معجم و ابواب الجنان) اولاً و مقدمات عربی که در هشت سالگی بآن شروع کردم از صرف میرو کتاب تصریف در صرف و عوامل جرجانی و شرح انودج و صمدیه و شرح سیوطی و شرح جامی (برکافیه) و مغنی ابن هشام در نحو و حاشیهٔ ملا عبدالله بر منطق تفتازانی و شرح شمسیه و شرح مطالع در منطق و مطول (شرح سعد الدین تفتازانی بر مفتاح العلوم سکاکی) ثانیاً درس خواندم .

پس از آن به تحصیل علم اصول الفقه و فقه از کتاب معالم و شرایع و شرح لمعه و قوانین میرزا ابوالقاسم قمی و فرائد شیخ مرتضی انصاری و مکاسب او و ریاض یا شرح کبیر و کتاب فصول نزد علمای تبریز پرداختم. در این اثنا تقریباً بین ۱۴ و ۱۸ سالگی بتدریج تحولاتی در رشته تحصیلات و افکار من پدید آمد که از جاده معمولی طلبه‌گی و رشته آخوندی کم کم خارج شدم و آن باسیر در چندین جهت بود. نخست شوقی زیاد و متزاید به علوم ریاضی قدیم از حساب و هندسه و هیأت پیدا کردم و پی تحصیل آن فنون از خلاصة الحساب و کتاب هیأت قوشجی و تشریح الافلاک شیخ بهائی و شرح چغمینی قاضی زاده رومی و تحریر اقلیدس و تحریر مجسطی و کتاب الاکثر تا و ذوسیوس و کتاب الاکثر منلاوس و غیره از کتب فنون قدیم از هر نوع افتادم و از طرف دیگر به علم کلام و حکمت رغبت حاصل شد و همچنین به طب قدیم (یونانی) و از جمله به درس خواندن کتاب شرح نفیسی و شرح اسباب و قانون ابن سینا و غیره نزد اساتید قدیم پرداختم. شرح این رشته‌ها از تحصیلات قدیمه بر اهل آن معلوم است و حاجت به تفصیل و شمردن کتب نیست. جهت دوم افتادن براه علوم خفیه از احکام نجوم و علم رمل و جفر و اعداد و اندکی کیمیا و سیمیا و نظایر آنها و ریاضات جسمانی و ترک حیوانی و همه آن آداب و اعمال خارج از طریقه ظاهریان و قشریان و سلوک طریقه‌های روحانی و معنوی و همچنین تصوف و عرفان که قبل از شیوع تعلیم و تربیت جدید و فنون مغربی غالب آنان که جنبشی داشته و تعلیمات قشری معمول آنها را قانع و راضی نمیکرد و در تفحص راه روشن‌تری بر می‌آمدند بآن راهها می‌افتادند و سالک آن طریقه‌ها میشدند. جهت سوم میل به تحصیل و مطالعه در بعضی مسلک‌های دینی خلاف مشهور و متبع مانند طریقه شیخیه و طریقه‌ای که شیخ احمد احسائی مؤسس آن بود و

شاگردان و پیروان او بتدریج آن را تکمیل نموده و رواج دادند و «حکمت آل محمد» نامیدند. چندی نزد علمای آنها کتب معتبر آنها را درس خواندم و غور کامل در مندرجات کتب آنان کردم بحدی که این کار موجب ناراضی شدن و مخالفت پیروان طریقه و سنت معروف و متبع از من گردید. همه این جهات که شرح داده شد و در آن زمانها در نظر قشریان و ظاهریان در حکم کج شدن پالان تلقی میشد در سالهای ۱۴ تا ۲۰ از عوامل تحولات ذهنی روحی من میشد، ولی در این اثنا به تحصیلات دینی و فقهی و غیره هم از یکطرف و اشتغال به ادبیات عرب و عجم و حفظ مقامات حریری و معلقات سبع و دیوان امریء القیس و قصاید عربی ابن الفارض و طواط و اشعار فارسی و مطالعه کتب ادبی فارسی نیز مداومت داشتم. در ضمن تحصیلات فقه و اصول فقه آشنائی با طریقه شیخ هادی طهرانی پیدا کرده و چند سال نزد شاگردان آن مرحوم تحصیل کردم که آن طریقه هم از طریقه معمول و جاری دور و یا آن مخالف بود.

در حدود سن ۱۷ سالگی از تحصیل طب قدیم به طب جدید پیوستم و این رشته مرا بتحصیل زبان فرانسه و فنون جدید از علم فیزیک و شیمی و جغرافی و ریاضیات جدید دلالت و تشویق کرد. سه چهار سال همه این تحصیلات چه در رشته علوم جدید و چه در طریق حکمت و تصوف و حکمت شیخیه و علوم خفیه بطور پنهانی و مستور از پدر و سایر روحانیان متعصب بعمل میآمد.

در سنه ۱۳۱۴ پدرم در نهم شوال بر حمت حق پیوست و من پس از آن آزادانه به تحصیل فنون جدید و مخصوصاً طب جدید و تشریح و فیزیولوژی و پاتولوژی و غیره مشغول شدم و در زبان فرانسه تاحدی ترقی یافتم بحدی که در سنه ۱۳۱۶ یعنی در ۲۱ سالگی کتاب کامل فلاساریون را در علم نجوم موسوم به «عجائب آسمانی» بفارسی ترجمه کردم و این ترجمه با

کتاب کوچکی که در علم صرف عربی تألیف کرده بودم در مدرسه جدید لقمانیه که در آن زمان مجهزترین مدارس جدید بود تدریس میشد و من خود نیز در آنجا درس فیزیک میدادم . عمده تحصیلات من در علوم جدید در نزد مرحوم میرزا نصرالله خان سیف الاطباء (که تحصیلات علمی و طبّی خود را بفارسی و انگلیسی کامل کرده بود) در تبریز و پس از آن در مدرسه دارالفنون مظفری تبریز که نظیر دارالفنون طهران سالیان چند دائر بود و همه فنون علمی را تعلیم میداده و به معلمخانه معروف بود بعمل آمد و بعد درجه کمال این تحصیلات من نزد مرحوم دکتر محمد کرمانشاهی معروف به کفّری بعمل آمد . این شخص اخیر که در زمان خود عالمترین شخص ایران در طب و علوم جدید بود و نشان علمی دولت فرانسه را داشت با مرحوم حسنعلی خان گروسی امیر نظام به تبریز آمده و بخت ما و قضا و قدر آن علامه را که از ظرفیت تبریز بزرگتر بود و حسن اتفاق به تبریز کشانیده بود . دوسه سال یا بیشتر از محضر او استفاده نمودم و پاتولوژی و تشریح و تاندازه ای فیزیک و شیمی نزد او تحصیل کردم . در این اثنا خود نیز در مدرسه دارالفنون مظفری هم بتحصیل بعضی فنون پرداخته و هم علم فیزیک تدریس نمودم . در حدود سالهای ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ و بعد از آن در مدرسه آمریکائی تبریز بفرآ گرفتن قدری از زبان انگلیسی مشغول شدم و نزدیکی از معلمین آمریکائی قدری از درجات عالیّه علوم طبیعی در کتب انگلیسی خواندم . در سنّه ۱۳۱۶ بهمدستی بعضی از دوستان مدرسه ای بنام مدرسه تربیت تأسیس کردم که بواسطه غوغای متعصبین پایدار نشد و نیز کتابخانه ای بهمان اسم بنانهادیم که پایدار شد و خدمات مهمی بمعارف تبریز کرد . خیلی سعی در رواج دادن کتب جدیدّه عربی مصر و بیروت و کتب ترکی استانبولی و کتب فرانسوی در تبریز نمودم . عاقبت در سنّه ۱۳۲۰ بهمراهی سه نفر از یاران تمدن دوست و مجاهد در راه ترقی و

وطن پرستی و اصلاحات سیاسی مجله‌ای علمی و ادبی با اسم «کنجینه فنون» که ماهی دو شماره نشر میشد تأسیس کردیم که یکسال کامل منتشر شد. همدستان من در آن مجله میرزا محمد علی خان (بعدها تربیت) و میرزا سید حسین خان (بعدها عدالت) و میرزا یوسف خان آشتیانی اعتصام دفتر (بعدها اعتصام الملك) بودند. بعد از تعطیل مجله سفری بقفقازیه و استانبول (که شش ماه در آنجا ماندم) و مصر (که چند ماهی توقف نمودم) و بیروت (که قریب ۵۰ روز بودم) و دمشق کردم و در ماه شعبان ۱۳۲۳ به تبریز برگشتم. در قاهره مقاله‌ای (اندکی سیاسی و قدری تاریخی) بعنوان «تحقیق احوال کنونی ایران با محاکمات تاریخی» در روزنامه فارسی حکمت نوشتم که بعد جداگانه بشکل رساله در تبریز چاپ شد و موجب شهرتی برای من گردید. در مصر معاشرت با جرجی زیدان صاحب مؤلفات معروف و ناشر مجله الهلال حاصل شد که از چندین سال قبل آشنائی دورا دور بسبب نشر مجله او در تبریز و وکالت آن در آن شهر و بواسطه مقاله مختصری که در مجله الهلال نوشته بودم موجود بود. خوشبختانه فیض زیارت محضر و حوزه درس مرحوم شیخ محمد عبده مفتی دیار مصر نیز نصیب شد.

پس از عودت به تبریز بطور سری بفعالیت سیاسی نیز اشتغال داشتم که شرح آن خارج از موضوع این مشروح است. در دهم ماه رمضان سال ۱۳۲۴ به طهران آمدم و داخل فعالیت در بین مشروطه طلبان شدم و بعضی مقالات در روزنامه «ندای وطن» نوشتم. در ماه شوال بوکالت از تبریز انتخاب و داخل مجلس شدم. در مدت عضویت خودم در مجلس گاهی مقالاتی (ولی نه زیاد) در جراید نوشتم و از آنجمله در روزنامه صور اسرافیل و مساوات. پس از بهم خوردن مجلس اول به خارجه رفتم و در جراید انگلیسی مصاحبه‌هایی از من البته راجع به مشروطیت ایران

نشر شد. در اواخر سال ۱۳۲۶ از اروپا به تبریز برگشتم و پس از فتح طهران بدست مجاهدین در ماه رجب ۱۳۲۷ به طهران آمده در اداره امور مملکت سهمی داشته و عضو هیئت مدیره شدم. مجدداً بوکالت تبریز در مجلس شورایی دوم انتخاب شدم. پس از قریب يك سال بواسطه منازعات پیاپی که پیش آمد از مجلس مرخصی گرفته به تبریز رفتم و پس از دوسه ماه توقف در آنجا از راه ارزوم باستانبول رفتم. روز اول سال مسیحی ۱۹۱۰ وارد ارزوم شده و غره صفر سال ۱۳۲۸ هجری وارد استانبول شدم. قریب دو سال در استانبول بودم و بعد باروپا رفتم و در آخر ماه مه فرنگی سال ۱۹۱۳ مسیحی عازم آمریکا شدم و در روز ششم ژوئن به نیویورک رسیدم. ۱۹ ماه در آمریکا بودم و در روز آخر سال ۱۹۱۴ مسیحی از آنجا حرکت نموده از راه هولاند به برلن آمدم و چند سال در آلمان فعالیت سیاسی و ادبی داشتم. تعداد همه آثار قلمی یا بیانات شفاهی من در مدت هشت نه سال از ورود باستانبول تا آخر جنگ اول دنیائی چون کم اهمیت بودند لازم نیست، فقط شاید چهار مقاله مسلسل فرانسوی من در مجله «عالم اسلامی» پاریس در باب جریانات سیاسی در مملکت عثمانی و جریانات سیاسی در عالم عرب و جریانات سیاسی در ایران قابل ذکر باشد. در استانبول نیز گاهی مقاله ای بزبان ترکی در جراید آنجا نوشتم. چنانکه گفته شد در زمان جنگ اول دنیائی در آلمان بودم و از سنه ۱۳۳۴ بنشر روزنامه کوه اقدام نمودم که سه چهار سال بطور غیر مترتب باجنبه سیاسی انتشار یافت و پس از خاتمه جنگ دو سال تمام بطرز منظم و بشکل ادبی دوام کرد و در حدود ۱۳۴۰ تعطیل شد، و آنوقت اینجانب به مسکورفتم و یکسال ونیم برای کار عقد عهدنامه در آنجا ماندم. بعد از آن بایران برگشتم و شاید ثبت فهرست اجمالی بعضی نوشته های من تا امروز که در ذیل درج میشود از شرح تاریخی فعالیت ادبی در سالهای

زندگی مستغنی نماید. ولی راجع بدنباله کار علمی و عرفانی خود در سالهای اخیر یعنی پس از عودت بایران در سنه ۱۳۰۳ شمسی باختصار عرض میکنم که بعضی مقالات علمی و گاهی سیاسی در بعضی جراید نوشتم و مخصوصاً در روزنامه شفق سرخ (که بعضی از آنها بامضاء صریح نبود مانند مقالاتی که تحت امضاء مرزبان باوندی نشر شد) و مقالاتی در مجله تقدم و مجله آینده و غیره که استقراء آنها فعلاً برای من میسر نیست چندین سال باز باسم وکالت ملت در مجلس شورای ملی بودم. در این بین باز سفری بآمریکا نمودم بسمت ریاست غرقه ایران در نمایشگاه صدو پنجاه ساله استقلال ایالات متحده آمریکا در فیلادلفیا. در زمستان سال ۱۳۰۷ بسمت والی ایالت خراسان به مشهد رفتم و در تابستان سال ۱۳۰۸ به سفارت ایران در لندن رفتم و تا بهار سال ۱۳۰۹ شمسی در آنجا بودم و آنوقت بایران برگشته مأمور وزارت طرق و پس از قریب چهار ماه متصدی وزارت مالیه گردیدم و تا اواسط سال ۱۳۱۲ شمسی در آن سمت باقی ماندم. در پائیز همان سال مأمور سفارت پاریس شدم. در سال بعد بر حسب دعوت انجمن پادشاهی صنایع مستظرفه برای ایراد خطابه‌ای در آن انجمن راجع باوضاع ایران بلندن رفتم. در اواخر تابستان خدمت من در فرانسه خاتمه یافت و به برلن رفتم و قریب ۱۵ ماه در آنجا بمطالعه و تألیف مشغول بودم و کتابی در تاریخ عرب و عربستان تصنیف کردم. در پائیز سال ۱۳۱۴ شمسی بسمت نماینده ایران در مجمع بین‌المللی مستشرقین در رم اشتراک نمودم و چند ماهی پس از عودت به برلن دعوتی از مدرسه مطالعات شرقی لندن برای من رسید که زبان و ادبیات فارسی را در آن مدرسه برای طلاب منتهی تدریس و تعلیم کنم. دعوت را پذیرفته و در دی ماه ۱۳۱۵ بلندن رفتم و شش سال در آن مدرسه مشغول کار بودم تا در حدود ماه آبان و آذر سال ۱۳۲۰ دولت ایران از من تقاضای تصدی

سفارت ایران در لندن نمود که پس از تردید زیاد عاقبت پذیرفتم . در مدت اشتغال در مدرسه مقالات علمی چند در مواضع مختلفه تاریخی و ایران شناسی و همچنین يك رساله راجع بسال و ماه قدیم ایران بزبان انگلیسی و يك مقاله علمی بزبان آلمانی نوشتم و در مجلات علمی انگلیس و آلمان چاپ شد . رساله مذکور جداگانه طبع شده است . در همین اوقات کتابی هم بفارسی در گاه شماری در ایران قدیم نوشتم که در طهران بطبع رسید . اسامی مقالات و تصنیفات در ضمن فهرست آخر این مشروحه ذکر خواهد شد . در اوقات تصدی سفارت هم باز گاهی بنوشتن بعضی مقالات از آن قبیل بانگلیسی مداومت داشتم و آخرین مقاله من راجع به « مبدأ تاریخ زردشت » مقارن حرکت من از لندن و عودت بایران نشر شد . در مدت شش سال تدریس دو سال و کسری در کمبریج بودم که مدرسه علوم شرقی لندن بآنجا منتقل شده بود .

در تابستان سنه ۱۳۲۶ از تبریز برای وکالت ملت در مجلس شورایملى انتخاب شدم و عازم ایران گردیدم که پس از توقف یکى دوماه درسویس در اوائل پائیز به طهران رسیده و وارد مجلس ملی شدم . در مدت اقامت در لندن یسمت سفارت فعالیت سیاسى زیادى داشتم و شاید مهم ترین آنها کشمکش باروسیه در شورای امنیت ملل متحده بود در باب تجاوز بحقوق ایران در آذربایجان . قبلاً در موقع تأسیس اساس ملل متحد در سان فرانسیسکو دولت ایران مرا بسمت ریاست هیأت ایرانی برای اشتراك در آن کار انتخاب نمود ، ولی بواسطه ضعف مزاج عذر خواستم . بعد از ورود بطهران در مجلس شورای ملی کم و بیش فعالیت داشتم و ضمناً گاهی مقالاتى در جراید و مجلات نوشته و خطابه در مجامع ایراد کردم . در سال ۱۳۲۹ که مجلس سنا تأسیس شد اینجانب به عضویت آن مجلس انتخاب شدم و از ابتدای امر بر ریاست برگزیده شدم و هم چنین در دوره

بعدی مجلس سنا باز این سمت را داشتم تا آنکه بعد از چند سال بواسطه علت مزاجی استعفا کردم و بعد بر حسب دعوت دارالعلوم کولومبیا در نیویورک بآمریکا مسافرت نموده و قریب ۷ ماه در آن مملکت بودم که قسمت اخیر آن بر حسب دعوت رسمی دولت آمریکا بگردش در ایالات مختلفه و دیدن مراکز علمی گذشت. در مدرسه کولومبیا خطابه‌های علمی راجع بتاریخ يك قرن و نیم اخیر ایران به طلاب علوم ایراد میکردم و گاهی خطابه‌های عمومی در اینگونه مواضع در مجلس عام و یادرمجمع ماهانه اساتید و یکبار خطابه‌ای در باب مانی بر حسب خواهش جمعیتی علمی مربوط بهمان دارالعلوم ایراد کردم و در این مدت مرتباً در مجلس مناظره‌ای (سمینار) که در مدرسه مطالعات شرق نزدیک هفته‌ای یکبار دائر میشد شرکت داشتم. در اثنای مسافرتها در ایالات آمریکا نیز در دارالعلوم‌های پرینستون و هاروارد و ییل از طرف اولیای مدارس و ارباب علم آن مراکز پذیرائی شدم و گاهی در مجلس بحث شرکت کردم. بعد از برگشتن بایران در عضویت مجلس سنا و تاحال در عضویت شورای عالی فرهنگ و غیره بوده‌ام و در این اثنا گاهی خطابه‌هایی ایراد کردم که از آنجمله سه خطابه در زمستان سال ۱۳۳۷ و دو خطابه در سال ۱۳۳۹ در انجمن مهرگان بود.

البته در این مدت از گاهی بگاهی فعالیت‌های مختلف متفرقه علمی و ادبی و گاهی سیاسی داشته‌ام که فعلاً در خاطر من نیست مگر آنچه در سال ۱۳۳۱ به کنگره ابن سینا در دو سال قبل در تبریز بر حسب دعوت دانشگاه آنجا دو خطابه راجع به صابئین و زمان زردشت در دانشکده ادبیات و یک خطابه عمومی راجع به مقدمات مشروطیت آذربایجان ایراد کردم که هر سه چاپ شده‌اند.

اینک فهرست مختصری غیر کامل و غیر جامع از نوشته‌ها و خطابه‌های

اینجانب در ذیل مندرج است که شاید بتوان در آتیه آنرا تکمیل کرد .
الف - فهرست کتب و رسالات

۱۳۰۷ش - مقدمه تعلیم عمومی یکی از سرفصلهای تمدن، طهران .
۱۳۰۹ - از پرویز تاجنگیز ، طهران ، ۷۸ ص .

۱۳۱۶ - گاه شماری در ایران قدیم ، طهران ، ۴ + ۱۲ + ۳۸۹ ص .

۱۳۱۷ - تحفة الملوک ، طهران ، ک + ۱۱۳ ص (یکی از متون قدیمه
مجهول المؤلف) .

۱۳۲۷ - نطق راجع به بودجه مملکتی در مجلس شورای ملی در
۱۶ شهریور ۱۳۲۷ (نشریه حزب عامیون شماره ۷) .

۱۳۳۰ - تاریخ عربستان و قوم عرب در اوان ظهور اسلام و قبل
از آن ، از انتشارات دانشکده معقول و منقول ، طهران ، سه
جزوه ، ۲۱ + ۳۴ + ۲۵ + ۴۴ ص .

۱۳۳۵ - مانی و دین او ، از انتشارات انجمن ایرانشناسی ، طهران .

۱۳۳۸ - خطابه آقای سید حسن تقی زاده مشتمل بر شمه ای از تاریخ
اوائل انقلاب و مشروطیت ایران ، انتشارات باشگاه
مهرگان ، طهران ۱۲۲ + ۱۴ ص .

۱۳۴۰ - تاریخ انقلاب ایران (تقریرات) که در شماره های سال
چهاردهم مجله یغما جزء جزء ضمیمه شده است .

۱۳۴۰ - بیست مقاله تقی زاده . ترجمه احمد آرام و کیکوس جهاننداری .

تهران . بنگاه ترجمه و نشر کتاب . (دوبار چاپ شده است)

1938 - Old Iranian Calendars, The Royal Asiatic
Society, London. 57p.

ب - مقالات قدیم^۱

۱- گنجینه فنون: مجله علمی و ادبی دو هفته یکبار در سنه ۱۳۲۰-۱۳۲۱ در

۱- چند مقاله که سابقاً در مجلات مختلف طبع شده بود بشکل کتابی تحت
عنوان «مقالات تقی زاده» (قسمت اول) باهتمام «کتابفروشی تهران» در سال
۱۳۲۲ شمسی در طهران در ۱۳۲۲ ص . طبع شده است .

تبریز یکسال تمام نشر شد. مشتمل بود بر چهار قسمت (هر قسمت چهار صفحه) قسمت دوم (یک ورق ۴ صفحه‌ای) جزوه‌های کتاب هنر آموز تألیف میرزا محمد علیخان تربیت و قسمت سوم (باز یک ورق چهار صفحه‌ای) ترجمه کتاب «تمدنات قدیمه» گوستاویون بقلم سید حسن تقی‌زاده و قسمت چهارم (باز یک ورق ۴ صفحه‌ای) ترجمه کتاب «۲۰۰۰۰ فرسخ زیر دریا» تألیف ژول ورن ترجمه میرزا یوسف خان آشتیانی اعتصام دفتر (بعدها اعتصام الملك).

قسمت اول راهم تقی‌زاده و میرزا سیدحسین خان (بعدها معروف به عدالت) ترتیب میدادند.

۲ - تمدنات قدیمه - ترجمه کتاب گوستاویون (بتفاریق و جزوه جزوه ضمن مجله گنجینه فنون نشر شده که ذکر آن در ضمن شماره ۱ گذشت).

۳ - تحقیق احوال کنونی ایران یا محاکمات تاریخی: در سال ۱۳۲۳ ق. در تبریز طبع شده (در «مقالات تقی‌زاده» ص ۶۸-۱۱۹ تجدید طبع شده است).

۴ - مقالاتی در روزنامه «ندای وطن» در سنه ۱۳۲۴ قمری.

۵ - مقالاتی در روزنامه‌های «صور اسرافیل» و «مساوات» (طهران)،

۶ - مقالاتی در روزنامه «عدالت» منطبعة تبریز (ظاهراً در سنه ۱۳۲۸ قمری).

۷ - کشف الغطاء، مقاله‌ای راجع بتوضیح مبارزات حزب دمکرات و اعتدالیون در مجلس شورای ملی دوره دوم که در شماره ۳۱-۳۲ سال هیجدهم روزنامه حبل‌المتین (۱۳۲۸، کلکته) طبع شد و بنقل از آن چاپ جداگانه بشکل رساله در تبریز در ربیع‌الثانی

سنه ۱۳۲۹ قمری به عمل آمده است .

۸ - مقاله‌ای بسیار شدید و بلیغ بترکی در روزنامه «طنین»
(استانبول) در دفاع از عثمانی برضد ایتالی درموقع جنگ
آن دولت درسنه ۱۹۱۱ مسیحی .

۹ - مقاله‌ای بزبان فرانسه درباب جریانات سیاسی درعثمانی در دو قسمت در
مجله Revue du Monde Musulman در سنوات ۱۹۱۳ و
۱۹۱۴ مسیحی .

(Les Courants politiques en Turquie)

۱۰ - مقاله راجع به جریانات سیاسی درعالم عربی در مجله فوق در
همان تاریخ .

(Les Courants politiques dans le Monde Arabe)

۱۱ - مقاله راجع به جریانات سیاسی در ایران در همان مجله
(Les Courants politiques en Perse) (هرسه مقاله درهمان
سالهای مذکور در فوق از آمریکابآن مجله فرستاده شد و طبع شد
وامضاء X داشت).

۱۲ - روزنامه کاهه دوره قدیم و جدید طبع برلن (مقالات متعددی از من
در آنهاست).^۱

۱۳ - مقالاتی در روزنامه «شفق سرخ» در طهران بامضای مرزبان باوندی .

ج - مقالات ادبی و تاریخی و اجتماعی

۱۳۳۲ ق نوروز جمشیدی ، کاهه ، ج ۱ ش ۵/۶ : ۱-۴ .

۱۳۳۸ مشاهیر شعرای ایران (ابوشکور بلخی ، ابوالمؤید بلخی ،
دقیقی) ، کاهه ، ج ۵ ش ۲ : ۷-۹ و ش ۴/۵ : ۱۵-۲۴ و ش ۸ :

۱ - فقط فهرست مقالات ادبی و تاریخی از مجله مذکور استخراج و در

اینجا در قسمت «ج» طبع شده است .

۱۴-۱۰.

۱۳۳۹ فردوسی، کاوه، ج ۵ ش ۱: ۳-۶ و ش ۱۰: ۹-۱۴ و ش ۱۱:
۷-۱۲ و ش ۱۲: ۷-۱۲ و ج ۶ ش ۱: ۱۱-۱۶ و ش ۳: ۱۱-
۱۶ و ش ۷: ۱۵-۱۶ و ش ۱۰: ۱۲-۱۶ و ش ۱۱: ۱۲-۱۶ و ش
۱۲: ۱۷-۳۳. (تجدید طبع در کتاب «هزاره فردوسی» ص
۱۷-۱۰۷).

۱۳۳۹ نوروز و تقویم ایرانی، کاوه، ج ۶ ش ۴: ۹-
۱۳۳۹ تصوف و منشأ آن در اسلام، کاوه، ج ۶ ش ۹: ۷-۱۹.
۱۳۳۹ چاپخانه و روزنامه در ایران، کاوه، ج ۶ ش ۵: ۱۱-۱۴.
۱۳۳۹ ق روزنامه نگاری در ایران در قرن سیزدهم، کاوه، ج ۶ ش
۶: ۱۴-۱۶.

۱۳۳۹ سید جمال الدین، کاوه، ج ۶ ش ۷: ۵-۱۱ و ش ۹: ۱۰-۱۲.
۱۳۳۹ شاهنامه‌های فردوسی، کاوه ج ۶ ش ۳: ۱۱-۱۶ و ش ۷:
۱۵-۱۶.

۱۳۰۴ ش مقدمات آینده روشن، آینده ۱: ۱۷-۲۵.

۱۳۰۴ چند کلمه در باره فردوسی، آینده، ۱: ۱۴۱-۱۴۴.

۱۳۰۴ تعلیم ابتدائی یا عالی، آینده، ۱: ۳۲۹-۳۴۵ و ۳۹۳-۴۰۷.

۱۳۰۶ انتخابات، آینده، ۲: ۴۰۳-۴۱۹.

۱۳۰۴ خطابه در مجلس سوگواری ادوارد یراون در انجمن ادبی

ایران در ۲۶ دی ۱۳۰۴ (ضمیمه مجله تعلیم و تربیت).

۱۳۰۵ مقدمه در شرح حال و عقاید و کتب حکیم ناصر خسرو،

«دیوان اشعار ناصر خسرو»، طهران، ۱۳۰۴-۱۳۰۷، ص ج-

سه (۶۳ صفحه).

۱۳۰۶ عوامل مهم ترقی اجتماعی، مجله تقدم.

- ۱۳۰۶ فقدان نقشه مستلزم فقدان بودجه یا فقدان بودجه ناشی از فقدان نقشه است ، مجله تقدم .
- ۱۳۰۸ بلوچستان (مقاله درباره تاريخ بلوچستان كه به خواهش امير لشكر امان الله جهانباني نوشته شد و در كتاب «عمليات قشون در بلوچستان» (طهران، چاپ دوم ۱۳۳۶) طبع شده است، ص ۲۲-۳۴ .
- ۱۳۱۳ مقدمه درباره زبان كردى بر كتاب «نزاني» تأليف دكتور سعيد كردستاني .
- ۱۳۱۳ صراط مستقيم، تعليم و تربيت ، سال چهارم شماره نهم .
- ۱۳۱۵ جنبش ملي ادبي ، تعليم و تربيت (شماره هاى اين مجله پس از طبع اين مقاله جمع آورى شد) . همين مقاله مجدداً بصورت مستقل توسط كتابفروشى طهران در سال ۱۳۲۰ تجديد طبع شد . در مجله ارمغان سال ۲۲ صفحات ۳۷۷-۳۹۸ و در مجله يگما دوره نوزدهم نيز تجديد طبع شده است .
- ۱۳۲۶ لزوم حفظ فارسى فصيح ، يادگار ، ج ۴ ش ۱:۶-۴۰ .
- ۱۳۲۷ تفصيل ملاقات با عبدالبهاء ، در ضمن «وفيات معاصرین» تأليف مرحوم محمد قزوینى مندرج است ، يادگار ، ج ۵ ش ۷/۶: ۱۲۹-۱۳۳ .
- ۱۳۲۷ نوروز ، يادگار ، ج ۴ ش ۷: ۵۲-۶۶ .
- ۱۳۲۷ توجه ايرانيان در گذشته به طب و اطباء ، يادگار ، ج ۵ ش ۷/۶: ۹-۲۲ (در مجله شير و خورشيد سرخ ، ج ۱ ش ۲:۹-۱۲ و سالنامه دنيا ۵: ۱۳۶-۱۴۴ تجديد طبع شده است) .
- ۱۳۲۸ نخستين مجلس شورى ، يگما ، ۲: ۵۵۵-۵۵۷ و ۵۸۷-۵۹۰ .
- ۱۳۲۸ تاريخ زردشت ، يادگار ، ج ۵ ش ۸/۹: ۲۷-۴۴ .

- ۱۳۲۸ اعلان جنگ روسیه به ایران ، یغما ، ۲ : ۵۲۸-۵۳۲.
- ۱۳۲۸ فرهنگ فارسی ، یغما ، ۲ : ۳۷۴-۳۸۰.
- ۱۳۲۸ خطابه در ماتم مرحوم قزوینی ، «علامه قزوینی نشریه وزارت فرهنگ» ، ص ۸-۱۷ و نامه فرهنگستان (شماره مخصوص قزوینی ، ص ۷۲-۸۲).
- ۱۳۲۸ شخصیت علمی و ادبی مرحوم علامه قزوینی -- روزنامه اطلاعات شماره ۶۹۴۳ (تجدید طبع در رساله «علامه قزوینی» نشریه وزارت فرهنگ).
- ۱۳۲۹ بعضی از علل ترقی و انحطاط تاریخی ایران (حیثیت و همت) ، یادگار ، ج ۵ ش ۱۰ : ۱-۱۳.
- ۱۳۳۰ سال و ماه ترکها ، یادنامه زکی ولیدی طوغان ، چاپ انقره ، ص ۳۸-۴۹.
- ۱۳۳۱ خرابه های قدیم تاریخی بین النهرین ، یغما ، ۵ : ۵۳-۵۴.
- ۱۳۳۱ خطابه افتتاحی در جشن هزاره ابن سینا [در بغداد] ، مهر ، ۸ : ۱۳۱-۱۳۶.
- ۱۳۳۱ مستشار الدوله ، یغما ، ۵ : ۴۴۹-۴۵۳.
- ۱۳۳۱ مشروطیت ایرانی ، اطلاعات ماهانه ، ج ۱ ش ۵ : ۴-۵ و ۳۹-۴۰.
- ۱۳۳۲ تمدنهای قدیم مشرق ، سخن ، ۴ : ۸۰۳-۸۰۵.
- ۱۳۳۳ مقدمه بر ترجمه احوال سید محمدعلی جمالزاده ، نشریه دانشکده ادبیات تبریز ، ۶ : ۲۵۶-۲۶۳.
- ۱۳۳۳ مبدأ تاریخ ایران چیست؟ ، سخن ، ۵ : ۹۰۵-۹۱۰.
- ۱۳۳۳ لفظ مشروطه (یادی از اوائل مشروطیت) ، اطلاعات ماهانه ، ج ۷ ش ۵ : ۳-۴ و ۶.
- ۱۳۳۳ گزارش بیست و سومین کنگره مستشرقین در کمبریج ،

- ۱۳۳۴ پایان يك زندگى پر حادثه (محمد امين رسول زاده)، سخن، ۳۴۲-۳۴۴: ۶.
- ۱۳۳۵ تحقیقات علمای مغرب در باب ممالك شرقی، مجله دانشکده ادبیات، ج ۳ ش ۴: ۱-۱۰.
- ۱۳۳۵ روابط ایران و ترکیه، یغما، ۴۹: ۹-۵۶.
- ۱۳۳۵ سید جمال الدین معروف بافغانی، مندرج در «مردان خود ساخته»، ص ۴۲-۵۴.
- ۱۳۳۶ مقدمه بر «یادداشت‌های قزوینی»، جلد سوم بعنوان «یادی از قزوینی»، صفحات بیست و پنج - بیست و نه.
- ۱۳۳۶ مقدمه بر تاریخ علوم، تألیف سارتون، ترجمه احمد آرام.
- ۱۳۳۶ مقدمه بر «آزادی و حیثیت انسانی» تألیف و ترجمه سید محمد علی جمال زاده.
- ۱۳۳۶ مجمع بین المللی مستشرقین (بیست و چهارم)، مجله دانشکده ادبیات، ج ۵ ش ۱ و ۲: ۲۳۱-۲۳۵.
- ۱۳۳۶ مجمع بین المللی مستشرقین، یغما، ۳۴۷-۳۵۶: ۷.
- ۱۳۳۷ انتقاد کتاب «زندانی بزه‌رود»، راهنمای کتاب، ۱۱۳-۱۱۸: ۱.
- ۱۳۳۷ یاد از عالم ایرانی (میرزا محمد کرمانشاهی کفری)، یغما، ۱۱: ۳۳۷-۳۴۱.
- ۱۳۳۸ دهخدا، در مقدمه لغت نامه، ص ۳۹۴-۳۹۶.
- ۱۳۳۸ صفحه‌ای از تاریخ مشروطیت ایران (نامه‌ای از سید حسن تقی زاده). یغما، ۵۶-۵۸: ۱۲.
- ۱۳۳۸ زمان زردشت، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، ج ۱۱ ش ۱: ۲۸-۳۸.

- ۱۳۳۸ صابئین ، نشریه دانشکده ادبیات تبریز ، ج ۱۱ ش ۱: ۱۹-
 ۲۷ (دریغما ۱۲ : ۹۷-۱۰۵ تجدید طبع شده است).
 ۱۳۳۸ تهیه مقدمات مشروطیت در آذربایجان ، نشریه کتابخانه
 ملی تبریز ، ج ۱ ش ۱ : ۱۵-۱۸ (دریغما، ۱۳ : ۱۷۸-۱۸۶،
 تجدید طبع شده است).
 ۱۳۱۹ اخذ تمدن خارجی، یغما ، سال ۱۳ (دو خطابه که در باشگاه
 مهرگان ایراد شد).
 ۱۳۳۹ مقدمه بر «خاک و آدم» ، از سید محمد علی جمال زاده .

د - مقالات بزبانهای اروپائی

- 1937 A New Contribution to the Materials Concerning the Life of Zoroaster. B. S. O. S., Vol. VIII, part 4, pp. 947-954.
 1937 Some Chronological data relating to the Sassanian Period. B. S. O. S., Vol IX part 1. pp. 125-136.
 1937 Zur Chronologie der Sassaniden. Z. D. M. G., Band 91, S. 679.
 1937-39 The Word «Sunô» in the Vandidad. B. S. O. S., Vol IX part 2, pp. 321-325.
 1937-39 An Ancient Persian Practice Preserved by a Non-Iranian People. B. S. O. S., Vol IX part 3, pp. 603-619.
 1937-42 Various Eras and Calendars used in the Countries of Islam. B. S. O. S., Vol IX, pp 903-922 and Vol x, pp. 107-132.
 1941 The Iranian Festivals adopted by the Christians and Condemned by the Jews. B. S. O. S., Vol X part 3, pp. 632-665.
 1943 The Early Sasanians some Chronological Points with Possibly for Revision. B. S. O. S., Vol XI part 1, pp.

- 1945 The Manichaen Fasts (By W. B. Henning, the Notes by S. H. Taqizadeh), J.R.A.S., pp. 155-164.
 1947 The «Era of Zoraster» J. R. A. S., pp. 33-40.
 1952 The Old Iranian Calender Again. B. S. O. S. Vol XIV part 3, pp 603-611.

ح- مقاله‌ها و خطابه‌های دیگر

- ۱- خطابه «ایران معاصر» (The Modern Persian) بانگلیسی در انجمن پادشاهی صنایع مستظرفه (Art Society) در لندن در سال ۱۹۳۴ ایراد و در مجله مخصوص همان انجمن نشر شده است.
- ۲- خطابه در باب «گاه شماری ایرانی» بزبان فرانسه در انجمن بین‌المللی مستشرقین در ۲۶ سپتامبر ۱۹۴۵ در رم (ایتالی)، صفحات ۱۶۸-۲۷۵ مجموعه چاپی کنگره.
- ۳- خطابه «لزوم توجه بیشتر بولایت» در قانون‌هدایت افکار ۲۱ اردیبهشت ۱۳۲۷ ایراد شد (نشریه حزب عامیون شماره ۳).
- ۴- خطابه «نوروز» در انجمن ایران و آمریکا ایراد شد.
- ۵- مقاله انتقادی (Revreiw) بر کتاب‌هائری ماسه- Les Croyences et les Coutumes Persanes که در مجله Folklor انگلیسی نشر شده است. (۱۹۴۲ یا ۱۹۴۳).

ط - کتاب‌هایی که در جزء انتشارات

مجله کاوه نشر شده است

- 1- Persische Bibliographie, Berlin 1920, 70S. (فهرست قسمتی از کتب فرنگیها راجع به ایران).
- ۲- کشف‌تلبیس (بامقدمه)، برلین، ۱۳۳۶ ق.
- ۳- مختصر تاریخ مجلس ملی ایران، برلین، ۱۳۳۷ ق.
- ۴- «ایران و جنگ فرنگستان» رساله‌ای تبلیغاتی برضد متفقین جنگ اول در برلین نشر شده است (بدبختانه غلط فاحشی در آن راه یافته و بجای یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی یزدگرد گناهکار ثبت شده)، برلین، ۱۹۱۵ م.

